

## کنگره شاملو

به

### مردم سراسر ایران!

آزادی خواهانه و ضداستبدادی را به شیوه فرقانوئی به پیش می برد و دریافته اید که دیگر نمی توان و نباید این پیشروی سرنوشت ساز را با گام های لاک پشتی اصلاح طلبان حکومتی هماهنگ کرد.

**کارگران، دانشجویان، روشنفکران، زنان و جوانان ایران دریندا!**

تنها امکان پیشروی شما در این کارزار، در گرو صف مستقل جنبشی است که شما باید علیه استبداد و برای آزادی و عدالت اجتماعی آن را با سازماندهی به پیش ببرید.

نظام مردم سنتیز چون میوه ای پوسیده آماده افتادن است. تلاش های مذبوحانه و جنون آمیزش بیش از هرچیز بیان گر این حقیقت است. رژیم که بود و نبودش در میان است و خود را در سراشیبی سقوط می بیند، کورکورانه قادر نیست حتی منافع خود را دریابد. زیرا به فردایش اطمینان ندارد و هم از این روست که بی اعتمنا به هرچه قانون است، شمشیر را از رو بسته و کمر به سرکوب جنبش آزادی خواهانه شما بسته است. پس در شرایطی که سرنگونی آدم خواران نظام اسلامی در چشم انداز است، باید هوشیار بود که تجربه تلغی انقلاب بهمن تکرار نشود. باید جهت سرنگونی را به سمتی بیش برد که سقوط استبداد حاکم به حضور استبداد جدید نیاجامد. در انقلاب بهمن همه دیده اند که جنبش ضد دیکتاتوری و ضد استبدادی در مسیر سرنگونی پسر رضاخان میرپنج، بدليل آن که با تدارک یک نظام دمکراتیک و عدالت خواهانه هم راه نبوده است، به استقرار استبداد سیاه تر و خشن تر مذهبی انجامیده است.

امروزه هم، اگر از هم اکنون مبارزه برای سرنگونی استبداد رژیم جمهوری اسلامی ایران با مبارزه ای همه جانبه برای دمکراسی و عدالت اجتماعی در نیامیدزد، استقرار استبداد دیگری را باید انتظار کشید.

پیوند گذائی ناپذیر مبارزه ضد استبدادی با مبارزه برای دمکراسی و عدالت اجتماعی سکوشی است که حکومت اکثیریت عظیم برای اکثیریت عظیم را ممکن می سازد.

امروزه باید صراحة داد که پاگرفتن و پیشروی جنبش مستقل اکثیریت عظیم، یعنی کارگران، دانشجویان، روشن فکران، خلق ها، زنان و جوانان آزادی خواه و عدالت جزو، فراوائی از دوره ای

جانیان را آزاد می کنند، و وكلای مقتولین را به بند می کشند. جنبش های حق طلبانه زحمت کشان را در آبادان، در شاتره اسلام شهر، در قیر و ...، به خون می کشند. زنان و جوانان را سرکوب می کنند و اعتصابات کارگری را با همه توان خفه می کنند.

این سوال کلیدی برای هر کسی به وجود می آید که چرا اصلاح طلبان حکومتی با مشاهده آشکار قانون شکنی های پی در پی دستگاه ولایت و پیشروی نیروی سرکوب آن، هم چنان مردم را به آرامش و رعایت قانون فرا می خوانند؟ پاسخ در یک کلام روشن است. آن ها از شما مردم به جان آمد، بیش از دستگاه ولایت می ترسند! آن ها از پیشروی مبارزه مستقل شما و فراوائی تان از چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی، بیش از تعرض دستگاه ولایت در هراسند. چرا؟ زیرا آن ها - همه آن ها که شما را به آرامش دعوت می کنند - از انقلاب فرقانوئی شما علیه استبداد وحشت دارند. بنابر این، صرفه ای کار را به جای هم راهی با شما، در چانه نی در بالا می بینند.

#### ایرانیان!

اگر در گذشته مبارزه در چهارچوب «قانونیت» و «اصلاح طلبی» بر پایه قانون اساسی نظام مردم سنتیز جمهوری اسلامی می توانست جنبه افساگری و بسیج داشته باشد، امروزه چشم دوختن به کشایش امور در چهارچوب امکانات «قانون اسلامی»، خود فریبی آشکاری است.

هرچند شکست پلاتفرم قانون گرائی هنوز به معنی پایان جدال حکومت گران با هم نیست و باید آن آن به نفع پیشروی جنبش توده ای استفاده کرد، اما تکیه اساسی باید بر صفت مستقل جنبش توده ای و یگانه کردن جویبارهای جدا از هم، یعنی اتحاد طبقاتی مزد و حقوق بگیران، دانشجویان و روشن فکران آزادی خواه معطوف شود.

این حقیقتی است که شما مردم سراسر ایران به روشنی روز آن را دریافته اید. هم از این روست که جنبش دانشجویی تن به قانونیت نداده و با وجود غیرقانونی بودن تظاهرات، به میدان آمد و علیه استبداد و برای دمکراسی فریاد سرمی دهد. هم از این روست که فریاد «کارگر، دانشجو، اتحاد، اتحاد» در آسمان تهران طین افکن شد.

شما مردمی که کارد به استخوان تان رسیده، به حق بی اعتمنا به آرامش طلبان عاقیت طلب و گزینان از انقلاب، نافرمانی مدنی را تشید کرده و اقدامات

کارگران، دانشجویان، روشن فکران، زنان و جوانان ایران دریندا! مبارزه شما که علیه استبداد، برای دمکراسی و عدالت اجتماعی است، در شتابی طبیعی از چهارچوب قانون ارتقای جمهوری اسلامی فراتر رفته است. زیرا شما بدرستی دریافته اید که اگر تا دیروز امکان استفاده از قانونیت برای مقابله با ولایت مطلقه فقیه به سهم خود می توانست ماهیت بی قانونی استبداد مذهبی حاکم را انشاء کند، امروزه این بن بست قانون گرائی است که مانع پیشروی شما می شود.

اگر تا دیروز می شد با امکان به وجود آمد در انتخابات مجلس ششم و با استفاده از قانون، به نماد رژیم اسلامی یعنی هاشمی رفسنجانی توده نی زد و تعرض دستگاه ولایت را در هم شکست، امروزه زندانی شدن جنبش شما در چهارچوب این قانون، تنها فرصت مناسب را برای سرکوب جنبش ضد استبدادی به وسیله دستگاه ولایت فراهم می کند.

اصلاح طلبان حکومتی و حامیان آن ها، به بهانه این که جناح سرکوب در صورت فرا رونی جنبش از چهارچوب قانون، سرکوب جنبش را تشید خواهد کرد، از شما می خواهد در چهارچوب قانون اسلامی مبتنی بر ولایت مطلقه فقیه، زندانی بمانید. این خواست در شرایطی است که دستگاه ولایت فقیه عسلًا با سرکوب سازمان یافته، کام به کام به پیش می رود و در این پیشروی کودتاگرانه، ذره ای ارزش برای قانون گرها و خود قانون اساسی، قائل نیست.

دستگاه قضائی ولی فقیه با پشت پا زدن به قوانین «قدس» خود، به ژاندرارم نظام و ایزار دست سید علی خامنه ای و ایادي اش تبدیل شده است. مطوعات را یکی پس از دیگری می بندد، قلم زنان و آزادی خواهان را یا می کشد، یا به زندان می انکند. دستگاه سرکوب نظام با حمایت علیه هیئت حاکمه بی اعتمنا به قانون خود نظام، می بندد، می گیرد، می کشد، و به ریش هر چه قانون است می خندد!

سرکوب گران جنبش دانشجویی تبرئه! می شوند و سران جنبش در زندان بدون حساب و کتاب می مانند. قاتلین قتل های زنجیره ای عموماً آزاد می شوند و پرونده قتل های بیست سال جنایت رژیم تنها به قتل چهار نفر محدود می شود و آن هم دارد آشکارا سرهم بندی می شود.

قانونیت گرائی و پیشروی بسوی اقدامات فرماقونی است. تن در دادن به آرامش طلبی و قانونیت، آشکارا به معنی فرصت دادن به دستگاه سرکوب ولایت فقیه برای خفه کردن جنبشی است که مدت هاست به راه افتاده است.

در این مسیر آن دسته از اصلاح طلبان که هم چنان مدعی هم راهی با جنبش مردمند، اگر در مدعای خود صادق هستند، باید به ضرورت و الزامات مبارزه‌ی فرماقونی گردن نهند. مدعیان هم راهی با جنبش به راه افتاده‌ی ضداستبدادی، آزادی خواه و عدالت جو، باید به خواست جدائی دین از حکومت، به آزادی‌های بی‌قید و شرط سیاسی، به مبارزه برای ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری و سایر طبقات و گروه‌های اجتماعی گردن بگذراند. در شرایطی که حریف آشکارا برای سرکوب این خواست‌ها، فرماقونی عملی می‌کند، نمی‌توان برای پیشبرد این خواست‌ها در چهارچوب قوانینی ماند که هم در ماهیت و هم در بندهندش ضدیت با این خواست‌ها را پاسداری می‌کند.

### مردم سراسر ایران در بند!

رژیم مردم فریب و انسان‌گریز با وجود بیزاری اکثریت قریب به اتفاق شما مردم ایران و قیحانه مدعی است که اکثریت شما خواهان نظام آزادی‌کش او هستید. برای آن‌که این غاصبین حکومت مردم مرا خلع سلاح کنید، از سران رژیم بخواهید که در مورد رژیم اسلامی دست به رفراندم بزنند: رژیم جمهوری اسلامی آری یا نه؟ حکومت مبتنی بر آزادی و دمکراسی و عدالت اجتماعی آری یا نه؟ این آن حریبه‌ای است که دولت مردان رژیم استبداد دینی از بالا تا پایین از آن چون جن از بسم الله وحشت دارند!

باید با استفاده از همه‌ی اشکال علنی و مخفی با سازماندهی جنبش ضد نظام جمهوری اسلامی ایران و اقدامات فرماقونی، مشروعیت کلیت نظام حاکم را زیر سوال برد. این راهی است که شما مردم به درستی دریافته‌اید و در سال گذشته بر اساس آن اقدام کرده‌اید.

ایستادگی برای این پیشروی، تن در ندادن به محافظه کاران عافیت طلب و گریزان از صف مستقل مردمی، راه بی‌بازگشت شماست. راهی که خود به درستی در پیش گرفته‌اید.

جنبش چپ ایران و سازمان ما که برای دمکراسی و سوسیالیسم و علیه استبداد می‌جنگد، هر چند در شرایط سرکوب تمام عیار رژیم و دشمنی خونین همه دولت مردان رژیم با آن، امکان حضور تمام عیار علنی ندارد، هویت خود را اساساً در سازماندهی این راه پیمایی باشکوه می‌داند. پیروز باشید و این پیروزی قطعی است.

شرکت کنندگان در پنجمین کنگره  
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۲۰۰۰-۱۳۷۹ ذوئیه